

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: جولیتو کیزا  
برگردان از: ا. م. شیری  
۰۵ اگست ۲۰۱۹

**درآمد:** تاریخ واقعی، نه تاریخ رسمی، آن علم جهانشمولی است که تجارب گذشته را با چنان وضاحتی در خشت خام نشان می‌دهد که مشاهده آن در آئینه برای بسیاریها دشوار یا حتی غیر ممکن است. به این ترتیب، ترجمه مبحث دیگری از تاریخ نبرد طبقاتی قرن بیستم را برای درس‌آموزی به جویندگان راه مساعد و مناسب آینده تقدیم می‌دارم.

ا. م. شیری

۱۳ مرداد - اسد ۱۳۹۸

## سنگربندی دو جهان

(۱)

### پیشگفتار:

**جولیتو کیزا** - روزنامه‌نگار سرشناس اروپا و نویسنده، مؤلف یکسری آثار پرفروش و برنده جوایز مختلف، از جمله، جایزه ما به نام "خطاب به خلق"، کار روی کتاب جدید خود را با عنوان "چه کسی دیوار برلین را ساخت؟" به پایان رساند. ما با کسب اجازه از نویسنده، قسمت‌هایی از این کتاب را، که تضادهای جهان معاصر را توضیح می‌دهد، منتشر می‌کنیم.

### تاریخ، واقعیت آن چگونه بود

بازنگری وقایع تاریخی به هیچ وجه دشوار نیست. برای انجام این کار کفایت روند رشد حوادث پس از تشکیل کنفرانس کریمه (در یالتا از ۴ - ۱۱ فبروری سال ۱۹۴۵)، که کمی پیش از شکست المان هیتلری آغاز شد، به دقت مورد واکاوی قرار گیرد. البته، بازبینی واقعیت‌ها همیشه به پیش‌نیازهای نیاز دارند، که می‌توان به اشکال بسیار متفاوت تفسیر نمود. من برای انجام این کار سعی می‌کنم تا حد ممکن، مهمترین رخدادها را بدون فراموش کردن هیچ حادثه‌ای، به ترتیب برشمارم، و در این امر به آنچه که به پیش‌نیازهای بازبینی و توضیح آنها مربوط می‌شود، بسنده خواهم کرد تا به حافظه بسپارم، که نه تمامی آنها بدون استثناء روشن و واضح هستند. من واضح‌ترین آنها را انتخاب

می‌کنم. موضوعی که در نظر دارم توضیح دهم، به یک دوره کاملاً مشخص، یعنی، دوره زمانی از کنفرانس یالتا تا ساخت دیوار برلین را در برمی‌گیرد.

#### کنفرانس کریمه، ۴-۱۱ فبروری سال ۱۹۴۵

روز ۲ ماه مه سال ۱۹۴۵ ارتش روسیه وارد برلین شد و در همین روز جنرال المانی هلموت وایدلینگ شهر را بدون هیچ قید و شرطی به جنرال اتحاد شوروی، واسیلی ایوانویچ چویکوف تسلیم نمود. اما دو ماه قبل از این روزولت، چرچیل و ستالین در یالتا خطوط کلی تقسیم المان را پیشاپیش ترسیم کرده بودند. اتفاقاً خود آنها مدیریت مشترک مراحل بعد از سقوط رایش را به همدیگر پیشنهاد کردند. در آن زمان سه کشور پیروزمند - اتحاد شوروی، ایالات متحده آمریکا و انگلستان - در سرزمینی عمل می‌کردند، که به طور ضمنی، بر اساس توازن قوا عمیق شده بود و تعادل قواء در روند عملیات جنگی مشخص گردیده بود. هر سه کشور به واقعیت موجود "معترف بودند". و آن در "میدان نبرد" مشخص شده بود. اتحاد شوروی برلین را تصرف کرد و عامدانه در این نقطه توقف کرد. چرا که پیشروی برایش ممکن بود. ولیکن ترجیح داد متوقف شده و منتظر نیروهای متحدین در برلین بماند، که بعد از دو ماه رسیدند. دو سوم المان را در اختیار داشت، اما ستالین قادر به محاسبه مناسبات ستراتیژیک بود. واشینگتن و لندن آن را به عنوان علامت حسن‌نیت تلقی کردند...

ارزیابی سطح توافق آنها کار آسانی نیست و هیچ گاه آسان نخواهد بود. سندی که این سه نفر در یالتا امضاء کردند، به وضوح ثابت می‌کند، که آنها قصد داشتند با هم کار کنند. درست به این دلیل که هر سه قادر به محاسبه تعادل قواء بودند. از اینرو، خط همکاری ستراتیژیک در یالتا در شرایط توافق کلی، هر چند با وجود برخی نکات مبهم، بررسی شد. بازبینی بر اساس اسنادی که ما در دسترس داریم جالب و آموزنده است که چگونه این همکاری - در آن زمان ناگزیر - در چند سال تعیین‌کننده به خصومت و مخالفت تبدیل گردید و چرا رابطه مشترک اتحاد شوروی و غرب زیر و رو شد و به علت فقدان امکان حل مسأله المان در یک توافق جمعی به هم ریخت.

برای همه طرفها معلوم شد، که حل مسأله المان بسیار دشوار است. ایالات متحده آمریکا بلافاصله از این موضع حرکت کرد که پیوستن المان پس از جنگ به اقمار اتحاد شوروی به هیچ وجه قابل قبول نیست. به عکس، همانطور که بعدها معلوم گردید، هدف آمریکا ممانعت از احتمال ورود المان به دایره تأثیر اتحاد شوروی و استفاده از المان به عنوان یک ابزار برای بازسازی یکپارچگی اروپای غربی بود. هدف ستالین کاملاً در نقطه مقابل آن قرار داشت. آشکار بود، که نه این و نه آن هدف با مشارکت هر سه کشور پیروزمند دست یافتنی نیست. ستالین زرنگی کرد، اما نه از روی احتیاط، بلکه به این دلیل که توانائی تحمیل تصمیم خود به طرفهای دیگر را نداشت و سعی کرد منتظر زمانی بماند که بتواند با کارت باز بازی کند. ایالات متحده، در نقطه مقابل، برای به دست گرفتن ابتکار عمل از ابزارهای اقتصادی و نظامی برخوردار بود. این به معنای بروز شکاف بود. چنین هم شد. مسأله المان فقط بخشی از نقشه کلی جهان بود که چرچیل، ستالین و روزولت در برابر چشمان خود داشتند...

در تفاهنامه مذاکرات بین رهبران سه کشور موضوع دریافت "گرامت از المان" یکی از اولین موضوعات چشمگیر بود و آن شامل سه بند بود:

اول - "المان موظف است خسارات جنگی وارده توسط خود به ملل کشورهای متحد را جبران نماید. گرامت، در وهله نخست باید به آن کشورهائی پرداخت شود، که سنگینی اصلی و بیشترین زیان جنگ را متحمل شده و پیروزی بر دشمن را سازمان دادند."

در بند دوم اشکال جبران خسارات معین شده بود...

بند سوم - "برای تحقق طرح پرداخت غرامت بر اساس اصول فوق، یک کمیسیون مشترک غرامت مرکب از نمایندگان سه کشور متحد - اتحاد شوروی، ایالات متحده آمریکا و انگلستان در مسکو تشکیل می‌گردد".

در بند چهارم یکسری اختلافات بین روزولت و چرچیل و تشابه نظر جدی میان روزولت با ستالین بروز می‌کند و درست سخن از تعیین تخمینی مبلغ غرامت به میان می‌آید. نظر هیأت نمایندگی اتحاد شوروی و آمریکا در چند بند بر هم منطبق بود: "کمیسیون غرامت مسکو در مرحله آغازین کار خود، پیشنهاد دولت اتحاد شوروی مبنی بر این که جمع کل مبلغ غرامت (...) بایست ۲۰ میلیارد دالر تعیین گردد و ۵۰ درصد آن باید بلافاصله به اتحاد شوروی پرداخت شود، به عنوان مبنای مذاکره قرار داد". هیأت نمایندگی بریتانیا با این پیشنهاد موافقت نکرد. این هیأت بدون این که مبلغ غرامت را مشخص کند، تأکید نمود تا زمانی که مسأله در کمیسیون مسکو مورد بررسی قرار نگرفته، "هیچ رقمی نمی‌تواند تعیین شود"...

در یالتا مسائل سرنوشت‌ساز بسیاری برای تاریخ جهان در دهه‌های آینده، می‌توان گفت تا امروز، پیش کشیده شد. اما توافق سه قدرت بزرگ بر سر این بود که به آلمان شکست خورده نباید اجازه تأثیرگذاری بر وقایع آینده داده شود. همانطور که خیلی زود معلوم شد، طی دو سال بعدی، تحول جدی در مواضع طرفین پدید آمد و جبهه نیروهای متفقین ضد نازی به دو بخش تقسیم گردید: در یک سو اتحاد شوروی و در سوی دیگر، غرب در سیمای آمریکا، انگلیس و فرانسه با پیشنهاد آمریکا و تأیید آشکار مسکو به جرگه کشورهای پیروزمند اضافه شد. (شکی نیست که مرگ ناگهانی روزولت، رئیس جمهور آمریکا (۱۲ اپریل سال ۱۹۴۵) یکی از علل تغییر روابط بود. تحلیل این جنبه مسأله دشوار است - در اینجا تفاسیر می‌تواند مختلف و حتی متباین باشد. اما به نظر می‌رسد واضح است، که هاری ترومن جانشین رئیس جمهور بعد از روزولت، درک کاملاً دیگری از جهان آینده داشت و، با این که رئیس جمهور آمریکا بازیگر اصلی در سیاست این کشور نیست، بسیاری از تحلیلگران اعتقاد دارند، که نقش شخصیت روزولت فوق‌العاده بود (چنین نقشی را هیچ رئیس جمهور دیگری در تاریخ این کشور بازی نکرده است). ترومن، اساساً، یک کوفته‌فکر بود، نه تجربه بین‌المللی داشت و نه نگاه شخصی به آینده، که پس از شکست آلمان نقش تعیین‌کننده به خود قائل شده بود، ناخودآگاه در ایالات متحده آمریکا به قدرت رسید، (نقشی که روزولت همیشه به فکر آن بود)،...

اگر به تفاهمنامه کاری کنفرانس یالتا (کریمه) برگردیم، هنگامی که در پشت میز مذاکره روزولت نشسته بود، روشن بود، که آلمان آینده‌ای نداشت.

سرفصل سوم تفاهمنامه به "مثله کردن" آلمان اختصاص یافته و شامل شروط فوق‌العاده سخت دایر بر تسلیم فوری می‌باشد. یکی دیگر از بندهای سخت آن این است که آنها: "پادشاهی انگلستان، ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی" عالی‌ترین ارگان حاکمیت آلمان را تشکیل خواهند داد. پس از تشکیل این حاکمیت، آنها به اقداماتی مانند خلع سلاح کامل، غیرنظامی کردن و تجزیه آلمان، که برای صلح و ثبات آینده ضروری می‌دانستند، دست خواهند زد. متن نهائی بیانیه بشدت افشاگرانه بود.

"هدف پایدار ما عبارت است از: نابودی ماشین جنگی و نازیسم آلمان و ایجاد تضمین برای این که آلمان هیچ‌گاه قادر به هم زدن صلح در جهان نباشد؛ خلع سلاح و انحلال کامل نیروهای مسلح آلمان؛ از میان برداشتن ستاد فرماندهی کل آلمان یک بار برای همیشه که بارها و بارها نظامیگری آلمان را احیاء کرده؛ مصادره یا محو کلیه تجهیزات نظامی آلمان؛ انحلال یا تحت کنترل گرفتن همه صنایع آلمان، که می‌تواند برای مقاصد نظامی به کار گرفته شود؛ مجازات عادلانه و فوری تمامی جنایتکاران جنگی؛ اخذ غرامت به ازای آسیب‌ها و خسارات وارده در اثر حمله نظامی آلمان ...

نابودی خلق المان جزو اهداف ما نیست. خلق المان فقط پس از خشکاندن ریشه نازیسم و نظامیگر می‌تواند به زندگی و جایگاه شایسته خود در میان ملت‌های جهان امیدوار باشد".

### طرح هنری مورگنتاو

در اینجا لازم به تأکید است، که امریکائی‌ها در این مرحله برای مجازات المان به مثابه یک کشور و مردم المان به طور کلی پافشاری می‌کردند. جامعه عمومی اروپا در باره مسائلی مانند طرح مورگنتاو که بنام طراح و مدافع طرح نامیده شد، آگاهی بسیار ناچیزی دارند. هنری مورگنتاو (کوچک)، یهودی تبار، وزیر دارائی ایالات متحده آمریکا بود و در این مقام، سرپرستی هیأت نمایندگی آمریکا در کنفرانس کبک را در ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۴ به عهده داشت که در واقع تدارکی بود برای شرکت آمریکا در کنفرانس یالتا. در این واقعه، مورگنتاو موفق شد رئیس جمهور روزولت را برای تصویب طرح "نابودسازی صنایع نظامی در روهر و سار و تبدیل المان به کشور کشاورزی و دامداری" متقاعد سازد. همچنین در این رویداد تفاوت مواضع روزولت -مورگنتاو از یک سو و وینستون چرچیل از سوی دیگر آشکار شد. چرچیل بر موضع خود دایر بر لزوم کاهش شدت تحریمها علیه المان اصرار می‌ورزید، اما بدون موفقیت. به هر حال، یکسری تغییرات داده شد، اما فقط به طور خصوصی. روزولت قصد داشت پیشنهادهای منطبق با انتظار اتحاد شوروی را به کنفرانس یالتا ارائه دهد.

او در کنفرانس یالتا هم این خط را پی گرفت. ولیکن، مرگ روزولت، همانطور که گفته شد، موجب تغییر توازن قوا و تأثیر در کل غرب گردید. همه این را درک می‌کردند که تعیین سرنوشت المان جدا از سرنوشت کل اروپا، مستقل از روابط آینده اروپا با ایالات متحده آمریکا و روابط بین اروپای آینده با اتحاد شوروی ممکن نبود. اما تا کنفرانس پوتسدام (برلین، ۱۷ جون ۱۹۴۵) منظره شرايطی که به واسطه سه قدرت پیروزمند پس از جنگ ایجاد شده بود، بلا تغییر باقی ماند. در روند کنفرانس سه قدرت پیروزمند در ارتباط با هدف مشترک مبنی بر جلوگیری از احتمال احیای المان به توافق کلی دست یافتند. هدفی که بشدت بر آن پافشاری می‌کردند، عبارت بود از حفظ باقی مانده آن پس از ویرانی‌های جنگ تحت نظارت اکید سه جانبه (فرانسه پس از این به مذاکرات پیروزمندان ملحق شد). المان رایش سوم به سرعت تجزیه شد. همه سرزمینهای الحاقی به المان، به ویژه بعد از سال ۱۹۳۷، قبل از همه، اراضی سودت ملغا گردید. مرز شرقی در سمت غرب تا خط رودهای اودر و نایس به عقب کشیده شد. پروس غربی، سیلیزی، بخشی از پروس شرقی و دو سوم پامرانیا و برخی مناطق براندنبورگ را به پولند منضم نمودند. اتحاد شوروی بخش قابل ملاحظه‌ای از پروس شرقی، شهر کونیگسبرگ (شهر کالینینگراد) و استان آن را به خود الحاق نمود. فرانسه تقریباً همه معادن زغال و تمامی مناطق صنعتی -معدنی حوزه روهر را به تصرف خود درآورد. تصمیم گرفته شد همه شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک که در آستانه جنگ المانیزه شده بودند، از جمعیت المانی پاکسازی شوند. در طول چند سال در حدود هفده میلیون نفر المانی -مرکب از زنان، پیران، کودکان و مردان زنده مانده -از دارائی خود محروم گردیده، از آن اماکن و اراضی که اسکان یافته‌اند، بیرون رانده و به زور به سرزمینهای بیابانی مانده از المان تجزیه شده فرستاده شوند. و این تصمیم فقط روی کاغذ باقی نماند. موج عظیم کوچاندن از مناطق عملاً ویران شده در اثر جنگ به راه افتاد. انسانهای محروم شده از ملزومات زندگی و خدمات پزشکی را به طرز خصمانه همچون با جمعیت قبلاً ستمدیده، به واسطه وسایط حمل و نقل اتفاقی کوچانیدند، و این، باعث مرگ شمار عظیمی از مردم گردید. طوری که تعیین تعداد دقیق آن غیرممکن بود، ولی، البته، تعداد آنها سر به میلیونها نفر می‌زد...

طرح مورگنتاو بلادرنگ پس از شکست نازیسم به مرحلهٔ اجراء در آمد. برای انجام این کار حتی منتظر توافق به دست آمده در دیدار تعیین‌کننده که با عنوان کنفرانس پوتسدام (برلین، ۱۷ جولای - ۲ اگست ۱۹۴۵) در تاریخ ثبت شد، نماندند. تاریخ آغاز اجرای این طرح را می‌توان ۱۰ ماه مه سال ۱۹۴۵ دانست. طرح تحت عنوان "دستورالعمل اشغال" از سوی هاری ترومن امضاء شد و با حروف اختصاری "JCS" ۱۰۶۷ " (Joint Chiefs of Staff) نامیده شد. به سخن دیگر، آن ابتکار یک جانبهٔ دولت امریکا بود و فقط مناطق اشغالی غربی را شامل می‌شد، که در واقع، ثمرهٔ عزم راسخ هنری مورگنتاو کوچک برای مجازات شدید المان و المانی‌ها بدون هرگونه مصالحه بود. او در یادداشت‌های روزانهٔ خود یادآور می‌شود، که در سال ۱۹۴۴ به روزولت پیشنهاد کرد، ۵۰ یا ۱۰۰ سرکرده نازی را که به اسارت گرفته می‌شوند، بدون دادگاه و بدون بازجویی در جا تیرباران کند. پیشنهاد پذیرفته نشد و خواست او با مقاومت جدی دولت امریکا و فرماندهی نظامی به این دلیل مواجه شد، که اگر خبر تصمیم امریکا به بیرون درز کند، مقاومت نومیدانهٔ المانها در هفته‌های پایانی جنگ شدت بیشتر خواهد گرفت. در فرماندهی عالی امریکا گفته می‌شد، که اجرای طرح مورگنتاو به منزلهٔ نبرد با ده‌ها لشکر المان است. طرح مورگنتاو (یا بخشی از آن) باعث تحریک جوزف گوبلز، وزیر تبلیغات رایش سوم گردید و او توانست با استفاده از آن خشم آخرین رزمندگان را برانگیزد. گوبلز نوشت: "اجازه ندهید از المان فقط یک دشت سیبزمینی باقی بگذارند".

در واقعیت امر، در داخل ائتلاف غربی ایده‌ای کاملاً متفاوت از ایدهٔ هنری مورگنتاو در خصوص چگونگی برخورد به المان مغلوب شکل گرفت. تا روزهای کنفرانس پوتسدام در واشینگتن، لندن و پاریس (در وهلهٔ اول در لندن) فکری قوت گرفت، که از المان می‌توان به مثابهٔ یک متحد ضروری علیه اتحاد شوروی بهره جست. یعنی، نباید المان و مردم محروم شده آن را به خاکستر تبدیل کرد، بلکه، به عکس، باید از زندگی در آن حمایت نمود و کاری کرد که المان بتواند برای احیای اروپا قادر باشد تا اروپا به دژ اصلی در مقابل سلطهٔ واقعی یا خیالی - اتحاد شوروی بدل شود. متناقض است، اما دستورالعمل "JCS" ۱۰۶۷ " زمانی توسط ترومن امضاء شد (روزولت ۱۲ اپریل همان سال فوت کرد)، که مورگنتاو در عمل شکست سیاسی خورده بود. به این ترتیب، هنگامی که هیأت نمایندگی امریکا به کنفرانس پوتسدام اعزام می‌شد، او را بی‌سر و صدا از ترکیب هیأت مذاکره‌کننده حذف کردند. او در مقام وزیر دارائی به ترومن مراجعه و با استعفای خود تهدید کرد، و نتیجه آن شد، که ترومن بیدرنگ استعفای او را پذیرفت. بگذریم از این که مورگنتاو خود را شکست‌خورده ندانست. یک گروه بزرگ از مقامات نظامی تحت کنترل وزارت دارائی به اجرای دستورالعمل "JCS" ۱۰۶۷ " ادامه داد و در اجرای نکته به نکتهٔ آن پافشاری نمود. این قاعده، که "هیچ اقدام منتهی به تیرئه المان قابل قبول نیست"، دو سال تا الغای آن رعایت شد. اما لازم به ذکر است، که مورگنتاو خیلی هم به تنهایی عمل نکرد. در سال ۱۹۴۵ او کتابی تحت عنوان "المان، مشکل ما" منتشر کرد و در آن جزئیات طرح خود را تشریح نمود. او این کار را با کسب اجازهٔ شخصی از روزولت در عصر روز ۱۱ اپریل، در آستانهٔ مرگ او، هنگامی که آنها با وارم اسپرینگز شام می‌خوردند، انجام داد. تفاهمنامهٔ امضا شده بین روزولت و چرچیل در کنفرانس دوم کبک در سال ۱۹۴۴ (در بارهٔ تبدیل المان به مزرعهٔ سیبزمینی) تنها مسأله‌ای بود که باعث شد روزولت آن روز عصر اجازهٔ انتشار آن را ندهد.

همه تیم پسران مورگنتاو پس از آن که دستورالعمل "JCS" ۱۷۷۹ " در جولای سال ۱۹۴۷ جایگزین "JCS" ۱۰۶۷ " گردید، استعفاء دادند. عبارت "اروپای امن و شکوفا به کمک اقتصادی المان با ثبات و مولد نیاز دارد"، به شعار سیاست جدید بدل شد. تغییر کامل خط سیاسی با پاسخ سخت ستالین مواجه گردید. در واقع، اتحاد ضد نازی در این لحظه به موجودیت خود پایان داد. شروع شد آنچه که بعدها جنگ سرد نامیدند.

ادامه دارد...

منبع اولیه:

<http://sovross.ru/articles/1850/44316>